

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :  
Preserving Manichaean Paintings' Heritage by Uyghur Painting  
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

## نقاشی اویغور، حافظ میراث هنر نقاشی مانویان

شهره جوادی<sup>۱</sup>، شهریار خونساری<sup>۲\*</sup>

۱. استادیار دانشگاه تهران، ایران.

۲. پژوهشگر دکتری پژوهش هنر، پژوهشکده نظر، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۰۷ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۸/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۳ تاریخ انتشار: ۹۷/۱۱/۲۴

### چکیده

با وجود تحریم نقاشی از نظر اسلام و سخت‌گیری‌هایی که در قرون اولیه ظهور دین جدید وجود داشت، نقاشی ایرانی توسط قوم اویغور که به آیین مانی گرایش پیدا کرده بودند، حفظ و در امتداد جاده ابریشم تا کشور چین ادامه پیدا کرد.

بسیاری از این نقاشی‌ها شباهت‌های آشکاری با حیوانات ظروف نقره دوران ساسانی دارد. از این رو مسئله قابل تأمل این است که چگونه پس از قرن‌ها، نقاشی ایرانی یکباره در این آثار دیده می‌شود؟ به نظر می‌رسد پاسخ این سؤال را بایستی در اواخر دوران ساسانی و گرایش قوم اویغور به آیین مانی جستجو کرد. فرضیه: با هجوم قوم مغول و سپس استقرار ایشان با قدرتی که اویغورها در دربار داشتند، نقاشی ایرانی به زادگاه خود بازگشت و در دوران حکومت پادشاه تیموری (شاهرخ) این سبک نقاشی به اوج خود رسید. روش تحقیق: این پژوهش با مقایسه تطبیقی بین آثار به جا مانده از سه دوره ساسانی، ایلخانی و تیموری انجام شده است.

نتیجه‌گیری: زیبایی‌شناسی نقاشی ایرانی دوران ساسانی، توسط مانویان مهاجر به مناطق تحت سلطه اویغورها برده شد و قوم اویغور با حفظ اصول نگارگری ایرانی در دوران حکومت شاهرخ، این سبک نقاشی را ادامه داد و به اوج خود رسانید.

### واژگان کلیدی

مانی، ساسانی، مغول، نقاشی، مکتب تبریز اول، اویغور.

### مقدمه

در تاریخ هنر دوران اسلامی ایران شاخص است. پس از پیروزی اعراب و معرفی دین اسلام به عنوان دین رسمی کشور، و تحریم تصویرسازی از انسان و حیوان، ناگفته پیداست که بسیاری از آثار نقاشی نابود و یا بر اثر بی‌توجهی از بین رفت. اویغورها، یکی از مهم‌ترین قبایل ترک هستند که بسیاری از صاحب‌نظران، ایشان را پدر تمامی قبایل ترک و همچنین متمدن‌ترین آنها می‌دانند. آنان کوچ‌نشین و خاستگاه خود را کنار رودخانه ارقون می‌دانستند. منبع این رود کوهی به نام قراقوروم و بر روی تخته‌سنگی در ویرانه‌های شهر اردوبالغ،

تحقیق در زمینه تاریخ نقاشی ایرانی (قبل از قرن هفتم هجری و حتی پس از آن) به علت کمبود منابع مستدل، همیشه همراه با دشواری بوده است. فقط براساس نقش‌های موجود بر روی بشقاب‌ها و ظروف نقره ساسانی، می‌توان حدس زد که نقاشی در دوران ساسانی پیشرفت‌های منحصر به فردی داشته و به نکات متمایزی از هنر دست‌یافته که این ویژگی‌ها

مانوی در پاره‌های منتشرنشده مجموعه برلین، نوشته (اسماعیل پور، ۱۳۷۹) و سرودهای انجیلی در باب انگاره مانوی با رویکردی به خاستگاه و ماهیت سروده‌های مانوی براساس دست‌نویس‌های تورفان در مجموعه برلین، نوشته (شکری فومشی، ۱۳۹۵).

(دادور و محمدی، ۱۳۸۵) در مقاله نقاشی و تأثیر آن بر نگارگری اولیه اسلامی، خاستگاه نقاشی‌های اوغورها را از تصویرسازی ساسانی می‌دانند. در مقاله چهره‌نگاری سلجوقی، تداوم فرهنگ بصری مانوی، نوشته (موسوی‌لر و نمازعلیزاده، ۱۳۹۱) الگوهای چهره‌نگاری سلجوقی و آثار سفالی و فلزی مانوی مقایسه و نتیجه‌گیری شده که سلجوقیان از هنر مانوی تأثیر پذیرفته‌اند.

در مقاله تطبیق نقاشی‌های تورفان و نگاره‌های ورقه و گلشاه دوره سلجوقی نوشته «شعبانی و محمودی، ۱۳۹۳»، نقاشی‌ها به شیوه تصویری مقایسه شده و نویسندگان به این نتیجه می‌رسند که نقاشی دوره سلجوقی تحت تأثیر نقاشی‌های مانوی اوغورهاست.

پژوهش حاضر بر آن است تا با تطبیق نقاشی‌های تورفان و نقاشی‌های دوران تیموری و ایلخانی به این نتیجه برسد که هنر نقاشی مانوی توسط اوغورها حفظ شده و در دوران ایلخانی دوباره به ایران بازگشته است.

#### آیین مانی

پرداختن به آیین مانی و معرفی آن با توجه به تأثیری که مستقیماً بر نقاشی مذهبی پیامبر ایرانی دارد ضروری است. پیامبر نقاش، آیین خویش را با تصویرسازی تبلیغ کرد که کتاب او به نام ارژنگ تأثیر بسزایی در دوران پس از خود داشته است.

دین مانی در دوران معاصر، از ادیان متروکه و هفتصد سال است که از پایان یافتن آن می‌گذرد. این دین در پایان سده سوم میلادی از غرب تا شرق جهان باستان گسترش یافت. در ایران، مانی قهرمان داستان‌های افسانه‌ای با صفت نقاش در ادبیات وجود دارد. در کشورهای غربی نیز بیشتر در کتب جدلی علمای مسیحی، حضور مانی را می‌توان دید. این کتب بالغ بر سیزده اثر به زبان‌های لاتین و یونانی هستند که مهم‌ترین این آثار کتب «آگوستین قدیس» در قرن چهارده میلادی است که خود ۹ سال مانوی بوده و بعد از آن مسیحی می‌شود (تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۶).

در بعضی متون عربی و سریانی نیز از آیین مانی یاد شده که مهم‌ترین آنها کتاب «الفهرست» نوشته «محمد ابن اسحاق الندیم» بوده که در این اثر از مانی به‌عنوان صورتگر و نقاش نام برده شده است.

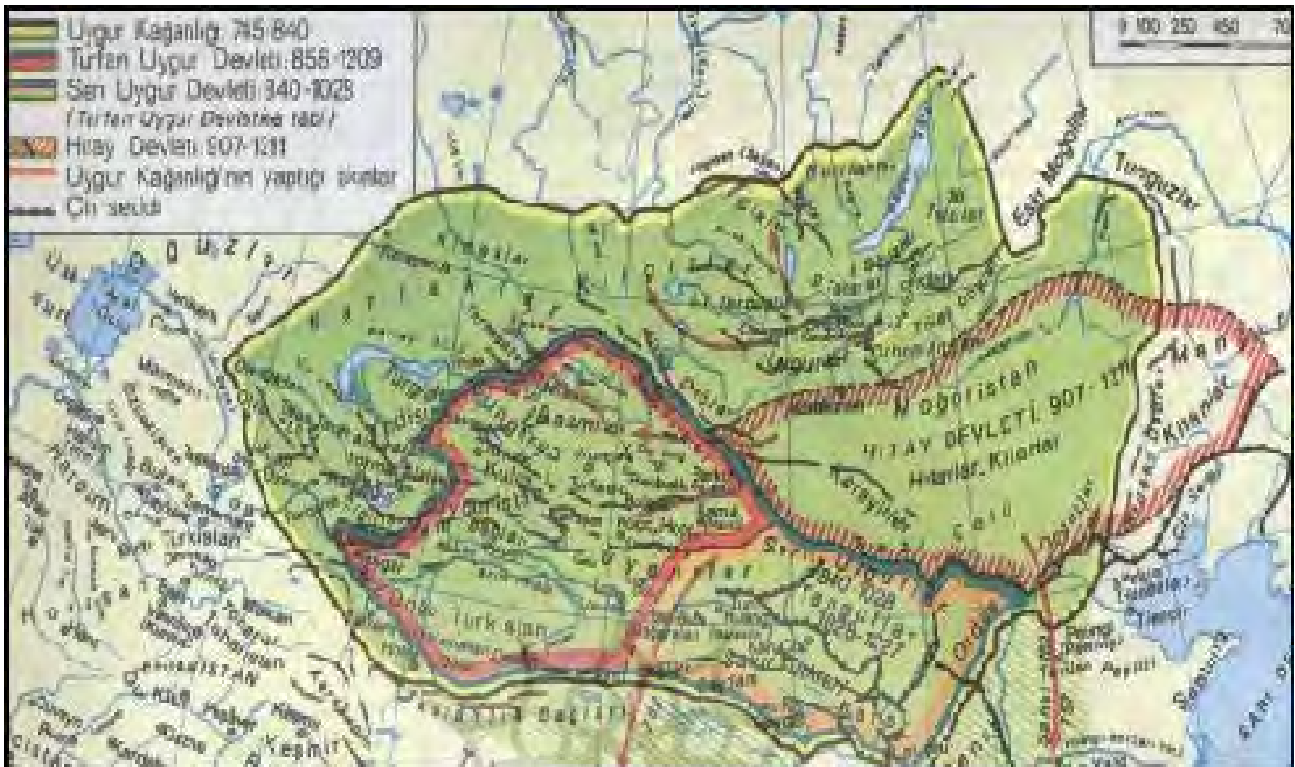
تاریخ به قدرت‌رسیدن بزرگ‌ترین شاه اوغور، بوقوخان (بعضی از مردم محلی می‌گویند او همان افراسیاب است) و کوچ قوم او به صحرا نقر شده است. قوم بیابان‌گردی که گروهی از ایشان در قرن دوم قمری به نواحی سبز و خرم قوم تخار حمله کرده و دولت کوچکی شامل شهرهای تورفان، کوچا، قراشهر، برقول، آلمالیق با پایتختی «بیش بالیغ»<sup>۱</sup> بنا کردند. در اینجا بایستی یادآور شد گروهی از مانویان ایران نیز به این سرزمین هجرت کردند (تصویر ۱).

با هجوم مغول‌ها توسط چنگیز در ۶۰۸ ق. ایران به تسخیر قوم مغول درآمد و هلاکو در ۶۴۷ ق. این پیروزی را تثبیت و تحکیم کرد. در ۶۹۲ ق. با قدرت‌گرفتن غازان‌خان و انتخاب وزیرری با تدبیر به نام «خواجهرشیدالدین»، ایران به آرامش دست یافت. در این دوران، هنر ایرانی با ایجاد مرکزی علمی-فرهنگی به نام ربع رشیدی در تبریز دوباره جان گرفت. از دستاوردهای ادبی-فرهنگی این زمان ترجمه و تصویرسازی آثار و نسخ خطی بود؛ کتاب منافع الحیوان «ابن‌بختیشوع» از اولین دیوان‌های هنرمندان مغولی به دستور غازان‌خان ترجمه و تصویرسازی شد.

#### پیشینه تحقیق

فرضیه مطرح شده، موضوع جدیدی است و تاکنون بدین شکل و مستقیماً به آن پرداخته نشده است. ولی مطالعاتی در نقاشی اوغور به صورت جداگانه انجام شده است که با کنار هم‌نهادن این پژوهش‌ها و بررسی نکات مورد نظر در بحث مذکور، می‌توان به نتایجی قابل قبول دست یافت.

تعداد زیادی از متون و نقاشی‌های مانوی به زبان‌های سعدی، اوغوری و چینی از کاوش‌های باستان‌شناسی ۱۹۰۴ گروه‌های انگلیسی، آلمانی و روس به دست آمده (یکی از مهم‌ترین مجموعه‌ها، مجموعه مانوی برلین است) که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بعضی آثار عبارت است از بقایای آثار خطی به خط استرانجلو<sup>۲</sup>، مکشوفه در تورفان، نوشته «مولر»<sup>۳</sup>، ورقی از یک کتاب سرود مانوی، گزارش آکادمی پروس، مطالعات مانوی از رسالات آکادمی سن‌پترزبورگ، اثر «زالمان»<sup>۴</sup>، کتاب یک سرود مانوی درباره آفرینش، کتاب هنوخ<sup>۵</sup> مانوی (جعفری‌دهقی و مشایخ، ۱۳۹۰) که ترجمه یک داستان درباره دیوان یا فرشتگانی تاریک و بدکاره است که به‌خاطر شهوت و عشق مفرط به زنان زمینی هبوط کردند، تولد و پیدایش نخستین انسان مانوی نوشته «هنینگ»<sup>۶</sup>، آثار مانوی ترکی خوچو نوشته «فون لوکوک»، کشف متون ایرانی در تورفان چین و سهم آن در گسترش مانویت به جهان باستان نوشته «امید بهبهانی»، پیشگویی مصور به فارسی میانه مانوی از تورفان نوشته «رک و زوندرمن» (ترجمه آرمان بختیاری)، هنر نیبگان‌نگاری



تصویر ۱. پراکندگی اویغورها در دوران تاریخی مختلف. مأخذ: [http://www.allemperes.com/article/index.php?q=The\\_Uyghur\\_Empire](http://www.allemperes.com/article/index.php?q=The_Uyghur_Empire)

کتاب ارژنگ از طریق نقاشی، موضوعات و قوانین آیین مانی را آموزش می‌دهد. نقاشی‌ها شامل مراسم آیینی و رستاخیز است. مانی به دلیل تعداد زیاد نقاشی به «پیامبر نقاش» معروف شد. کتاب اصلی ارژنگ از بین رفته و تنها چند برگ نقاشی که به این کتاب منتسب است وجود دارد. اسناد و مدارکی که از تورفان به دست آمده وجود سنت قوی تصویرگری و کتاب‌آرایی در میان مانویان را ثابت می‌کند (پاکباز، ۱۳۸۳: ۵۱۴).

در ادبیات زبان پارسی، شاعران و نویسندگان توجه ویژه‌ای به مانی داشته‌اند که می‌توان به بیت زیر اشاره کرد:

نماید زینت و رونق، نگارستان مانی را

نگاری که من دارم اگر برقع براندازد

(عطارنیشابوری، ۱۳۹۰)

در شاهنامه فردوسی نیز تصویری منفی از مانی به شرح ذیل ارائه شده است:

به صورتگری گفت پیغمبرم

ز دین‌آوران جهان برترم

ز چین نزد شاپور شد بار خواست

به پیغمبری شاه را یار خواست

سخن گفت مرد گشاده‌زبان

جهاندار شد زان سخن بدگمان

مانی خود از طبقه اشراف اشکانی بود که در سال ۲۱۶ میلادی در نزدیکی تیسفون به دنیا آمد. در چهار سالگی به فرقه مغتسله (منداییان) سپرده شد تا در فضای معنوی رشد کند. در ۲۴ سالگی از مغتسله تبری جست و بنیانگذار آیینی جدید شد. این آیین آمیزه‌ای از ادیان مسیحی، زرتشتی، بودایی و مندایی با نگرشی عرفانی به دین بود. دین جدید همچون بسیاری از ادیان و مذاهب باور به آمدن منجی در پایان جهان اشاره دارد. خیر و شر همیشه در حال زورآزمایی هستند و نیروی خیر در پایان پیروز خواهد شد. در آیین مانی، تناسخ نیز وجود دارد و از این‌رو آیین مانی وامدار ادیان شرقی نیز بود. به دلیل وام‌گیری مانی از باورهای ادیان و مذاهب مختلف در آیین خویش، بسیاری از پیروان ادیان پیشین، دین جدید را پذیرا شدند و مانویت به قسمت‌های مختلف جهان مانند اروپا، شبه قاره هند، چین و آسیای میانه نفوذ کرد.

پیروان دین مانی به دو طبقه گزیدگان و نیوشاییان، تقسیم شدند. گزیدگان کسانی بودند که رسالت سفر و تبلیغ آیین مانویت را داشتند. نیوشاییان طبقه عوام جامعه را تشکیل می‌دادند. قوانین دینی مانی برای دو طبقه متفاوت بود. به‌طور مثال خوردن گوشت برای گزیدگان ممنوع بود ولی سایرین می‌توانستند گوشت بخورند.

فرو ماند مانی میان سخن

به گفتار موبد ز دین کهن

(شاهنامه فردوسی، ۱۳۸۱)

## او یغورها

ایغورها یکی از مهمترین قبایل ترک هستند. آنان مردمی با ویژگی فرهنگ‌های اسپتی شمنسیت<sup>۷</sup> بودند. بسیاری ایشان را پدر تمامی قبایل ترک و متمدن‌ترین آنها می‌دانند. آنها کوچ‌نشین بودند و از خاستگاه آنان فقط می‌دانیم که خود را ساکنان کنار رودخانه ارقون می‌دانستند. منبع این رود کوهی به نام قراقوروم است (جویی، ۱۳۲۹: ۳۲ و ۴۵). به احتمال زیاد رودخانه ارقون، یکی از محل‌هایی بود که در قسمتی از سال، او یغورها در آن سکنی می‌گزیدند. آثار شهر و کاخی بر لب این رودخانه وجود دارد که به آن اردوبالیغ (بالیغ یعنی شهر) یا ماووبالیغ هم می‌گویند. در بقایای این شهر چاهی است که در آن تخته‌سنگ منقور بزرگی یافته‌اند. بر روی این سنگ تاریخ افسانه‌ای به قدرت رسیدن بزرگ‌ترین شاه او یغور، بوقوقان (بعضی از مردم محلی می‌گویند او همان افراسیاب است) و کوچ قوم او، به صحرا حک شده است. قومی بیابانگرد که گروهی از ایشان در قرن دوم قمری به نواحی سبز و خرم قوم تخار حمله کرده و دولت کوچکی شامل شهرهای تورفان، کوچا، قراشهر، برقول، آلمالیق با پایتختی بیش‌بالیغ بنا کردند. این قوم با تخارها درهم آمیختند و نژاد جدیدی به وجود آوردند که چهار قرن حکومتش به درازا کشید (اقبال آشتیانی، ۱۳۴۱: ۱۶). در اینجا بایستی یادآور شد گروهی از مانویان ایران نیز به این سرزمین هجرت کرده‌اند. در دوران حمله اعراب به ایران نیز موج مهاجرت به شرق ایران باعث شد آمیزش نژادی میان قوم او یغور و اقوام مختلف ایرانی حاصل آید. در شاهنامه فردوسی نیز امتزاج نژادی میان ترک‌های او یغور، چینی‌ها و غزها با سرداران و پادشاهان ایرانی بارها به نظم درآمده که به‌طور مثال ازدواج انوشیروان با دختر خاقان چین:

نبیره جهاندار فغفور چین

ز پشت سپهدار خاقان چین

اگر گوهر تن بود با نژاد جهان زو شود شاد او نیز شاد (فردوسی، ۱۳۸۱).

در شاهنامه این نوع ازدواج‌ها بعضی اوقات با میل طرفین صورت می‌پذیرد و بعضی اوقات برای پیروزی بر قوم دشمن به منزله سلب قدرت و اختیار و به منظور در دست گرفتن منبع قدرت قوم دشمن است (محبوب، ۱۳۷۸).<sup>۸</sup>

بگیریم از ایشان پریچهره چند

به نزدیک خسرو شویم ارجمند

(شاهنامه فردوسی، ۱۳۸۱)

یکی دیگر از پیوندهای ایرانیان با تورانیان زمانی است که

سیاوش به توران زمین پناهنده می‌شود و با جریره، دختر پیران، برادر افراسیاب و سپس با فرنگیس دختر افراسیاب ازدواج می‌کند.

سیاوش را گفت کای نامدار

تو دانی که سالار توران سپاه

فرنگیس مهتر ز خوبان اوی

نبینی به گیتی چنان موی و روی

از افراسیاب ار بخواهی رواست

چنو بت به کشمیر و کابل کجاست

(همان)

بیژن نیز در زمان جنگ میان ایران و توران عاشق منیژه می‌شود و داستان عاشقانه بیژن و منیژه شکل می‌گیرد.

یک کتیبه سه زبانه (چینی، ترکی، سغدی) معروف به کتیبه بلغسون که در سال ۱۸۶ ه.ش تا ۱۹۹ نوشته شده، زمان قدرت گرفتن مانویان را در میان او یغورها به سال ۱۴۱ ه.ش می‌داند. بنا به این کتیبه بوقوقان پس از فتح لویانگ، پایتخت شرقی چین با مانویان آشنا شده و دین مانی را می‌پذیرد. از این رو مذهب رسمی او یغورها مانویت می‌شود (تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۴۱) تا در ۲۱۸ ه.ش قرقیزها سلطنت او یغورها را منقرض کردند. گروهی از او یغورها به همراه مانویان به شمال غربی مرز چین به ویژه شهر تورفان مهاجرت کردند. تورفان در ترکستان چین قرار دارد که امروزه به نام استان سینکیانگ شناخته می‌شود؛ منطقه‌ای با آب و هوای گرم و درجه حرارت بسیار بالا که با سیستم قنات و کاریز قابل سکنی شده است. قنات سیستم آبرسانی ایرانی محسوب می‌شود که به احتمال زیاد مهاجرین ایرانی این علم را در اختیار او یغورها قرار داده‌اند. پس منطقه تورفان پس از مهاجرت ایرانیان قابل سکنی شده است.

وجود تصنیفات مانویان ایرانی در آسیای مرکزی نشانه‌ای بر حضور ایشان در منطقه تورفان است. «این اشعار و سروده‌ها بخشی از ادبیات ایرانی است که در عصر ساسانی در ماوراءالنهر تدوین شده و اکنون در مجموعه نسخ خطی آلمان (یا مهم‌ترین مرکز در موزه انتولوژی برلین) نگهداری می‌شود» (شکری فومشی، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

فناوری قنات را او یغورها به کار بسته‌اند. «قطعاً واژه (کاریز) یک اصطلاح او یغور است. کلمه چینی قنات کانجینگ<sup>۹</sup> است که «ترومبرت» استدلال می‌کند ترجمه نیمه‌آوایی کاریز است»<sup>۱۰</sup>.

ساسانیان در سال ۲۹ ه.ش منقرض شدند و به‌خاطر سخت‌گیری‌های دوره اموی احتمالاً مهاجرت به کشورهای شرقی در پایان قرن یکم هجری رخ داده است (طبری، ۱۹۶۳). و همچنین بعضی پادشاهان ساسانی همچون بهرام دوم و شاپور دوم از رود آمودریا گذشتند و به ترکستان چین

در زمینه ادبیات، نیز مشترکات زیادی میان اویغورها و ایرانیان وجود دارد و در قسمت‌هایی از شاهنامه فردوسی نبرد ایرانیان و تورانیان (اویغورها) نقل شده است. در شاهنامه فردوسی، سیاوش که میانجی میان ایرانیان و تورانیان است در میان هر دو قوم از احترام بالایی برخوردار است. حتی در دوران معاصر نیز سیاوش با دگردیسی همچون تغییر نام از سیاوش به سیاوش‌الله همچنان به زیست فرهنگی-مذهبی خود در فرهنگ اویغور ادامه می‌دهد و مکانی مقدس در التیشهر به‌عنوان محل دفن سیاوش وجود دارد که مردم اویغور به زیارت آن می‌روند. سیاوش در اسطوره‌های مانوی به عنوان مرد آتش به سر نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. شاید آیین مانی در جایگاه یک میانجی میان ایران و توران دوستی برقرار کرده و مانی در کالبد سیاوش به زیست خود در فرهنگ اویغور ادامه داده است که این فرضیه می‌تواند بن‌مایه پژوهشی دیگر باشد.

**ویژگی‌های مکتب نقاشی مانوی کشف شده در سرزمین اویغور و مکتب تبریز (مغولی) دوره ایلخانی**  
در مهاجرت بزرگ مانویان، مهم‌ترین هنری که به اویغورها شناسانده شد نقاشی است و آن به‌دلیل اهمیت هنر نقاشی در آیین مانی بود. در دوران اسلامی و موج دوم مهاجرت مانویان، اگر کسانی از دین خود بازمی‌گشتند یا از دین



تصویر ۲. غارهای هزار بودا، بزکلیک، شین جیاگ، چین قرن ۱۰ و ۱۱ میلادی. مأخذ: درژ، ۱۳۷۹.

مانی تبری می‌جستند، از آنها می‌خواستند به تصویر مانی بی‌حرمتی کنند (دکره، ۱۳۸۰: ۱۴۰). اگر این نوشته را صادق بدانیم می‌توان نتیجه گرفت، تصویر مانی نزد مانویان مقدس محسوب شده و توهین به تصویر مانی گناهی نابخشودنی برای پیروان این دین شمرده می‌شد. مانی به همراه مبلغانش،

پناه بردند (ابوالقاسمی، ۱۳۷۹). در نتیجه موج اول مهاجرت مانویان به سال‌ها قبل می‌رسد.

موج دوم مهاجرت در اواخر قرن یکم هجری اتفاق می‌افتد زمانی که مانویت و آیین‌های آن به‌عنوان بدعت و زندقه (کافر، ثنوی و بی‌بندوبار) ممنوع شد. «ابن‌مقفع» که به زندیق بزرگ معروف است او مترجم کلیله و دمنه و بسیاری از آثار پهلوی بود و به‌خاطر آن که بر دین مانی ثابت قدم ماند در سال ۷۵۹ میلادی به قتل رسید، جسد او تکه‌تکه و در آتش سوزانده شد. دو خلیفه به نام‌های «عباس مهدی» و «هارون الرشید» مانویان را زندان می‌کردند و جمعی از آنها اعدام می‌شدند. تا بدان جا که پسر وزیر خلیفه مهدی در حضور پدر به‌خاطر اعتراف به مانوی بودن سرش بریده شد. باقی‌ماندگان بر دین مانی به کشورهای غربی، شرقی و شمال آفریقا مهاجرت کردند و یا دین خود را پنهان کردند (Zarinkub, 1975 : 32).

اویغورها با شکست خوردن از یک قوم، دین خود را عوض نکردند به این دلیل که دین مانی ماهیتی صلح‌آمیز داشت تا جایی که اگر به آنان حمله می‌شد دست به شمشیر نمی‌زدند و تنها به‌خاطر دفع شر مهاجرت می‌کردند. از این‌رو به نظر می‌رسد اویغورها، انسان‌هایی آزاده بودند که پس از آشناسدن با دین مانی در کوچ‌های خود به قسمت‌هایی از ایران یا برخورد با مسافران و مبلغان مانوی با رضایت قلبی به دین مانی گرویدند. یعنی آنها خود‌پذیرای دین جدید شده‌اند.

پس از گرویدن اویغورها به دین مانی، بسیاری از ایرانیان مانی‌مسلك به سرزمین‌های وسیع اویغور مهاجرت کردند. دلیل مهاجرت ایشان سخت‌گیری‌هایی بود که دربار ساسانی برای پیروان مانی در نظر گرفته بود. در کتیبه موبد موبدان در کعبه زرتشت از آزار مانویان (زندبگان) یاد شده، و این کتیبه می‌تواند دلیلی باشد برای مهاجرت مانویان در دوره ساسانی (بهبهانی، ۱۳۸۱: ۷۲). پس از مرگ مانی جانشینان مانی، گروهی از مانویان را به شرق ایران کوچ دادند تا از آزار زرتشتیان متعصب در امان بمانند. به‌همین دلیل، موسیقی، صنایع دستی هنری (همچون فرش‌بافی) و نقاشی اویغورها به هنر ایرانی تنیده شده است. زبان و خط فارسی قرن‌ها در میان اویغورها رایج بوده، چنانکه امروز در استان سینکیانگ چین آثار این نوشته‌ها برجاست و تاکنون نیز در شهر و اماکن عمومی خط فارسی بر آثار هنری دیده می‌شود. برای اثبات این نظریه می‌توان موسیقی اویغوری را بررسی کرد که همیشه با موسیقی ایرانی مرتبط بوده و بسیاری از مقام‌های اویغوری مانند مقام نوا، مقام چهارگاه، مقام پنجگاه و حتی شکل سازهای اویغوری نیز ایرانی است (بدیعی، ۱۳۹۳: ۵). به این دلیل که موسیقی ایرانی قدمت بیشتری دارد، بایستی پذیرفت که اویغورها دنباله‌روی موسیقی ایرانی هستند.



تصویر ۳. نقاشی دیواری خدایان و اساطیر با هاله‌ای از نور بر گرد سر، از غارهای هزار بودا، بزکلیک، غار ۳، شین جیاگ، چین قرن ۱۰ و ۱۱ میلادی.  
 مأخذ: www.alamy.com



تصویر ۴. نقاشی دیواری دو شاهزاده اویغور، از غارهای هزار بودا، بزکلیک، شین جیاگ، چین قرن ۱۰ و ۱۱ میلادی. مأخذ: www.alamy.com

اویغورها باشد. کتاب مملو از نماد، تمثیل و استعاره‌هاست. نماد گنج، روح زندانی در این جهان و رهایی کشتی پر از گنج از دست راهزنان، نماد نجات روح است. بازرگان نیز نماد مانی و حواریان او هستند (کایت و هانس، ۱۳۷۳: ۵۶) که همچون داستان و نگاره‌های شاهنامه جذاب و هیجان‌انگیزاند. رنگ‌های مورد توجه نقاشان مانوی عبارت است از قرمز، سبز و آبی تیره یا لاجوردی که در مکتب مغولی تبریز نیز رنگ‌های سبز، نارنجی، آبی و قرمز دیده می‌شود و شباهت رنگی میان این دو مکتب آشکار است. در نقاشی‌های مانوی، پرسپکتیو، به شیوه غربی وجود ندارد و رنگ‌های تخت و تکرار در پیکره‌های انسانی با رنگ‌های تخت و کمی سایه بیانگر عمق در تصویر است. به همین صورت، پرسپکتیو در نقاشی مکتب مغول به وسیله سایه و رنگ‌های تخت صورت می‌گیرد (خلج امیرحسینی، ۱۳۸۹: ۱۰).

دبیران و کتاب‌نگارانی برای تولید کتاب و نسخ می‌فرستاد. به‌خاطر اهمیت نقاشی در دین مانوی به احتمال زیاد بعضی از این دبیران (خوشنویسان) و کتاب‌نگاران بایستی در نقاشی چیره‌دست باشند. قوم اویغور به واسطه قرار گرفتن در راه ابریشم با اقوام هندی، چینی و ایرانی در تماس بوده‌اند و به‌خاطر این تماس با فرهنگ‌های مختلف در آمیختند. «رایان توم» پژوهشگر برجسته فرهنگ اویغور، در کتاب «ریشه‌های مقدس تاریخ اویغور»، ضمن اینکه سرزمین توران را سرزمین ترک‌های اویغور برمی‌شمارد به این نکته اشاره می‌کند که بسیاری از نویسندگان مسلمان نیز توران را سرزمین ترک‌ها قلمداد می‌کنند و برای او جالب است که چگونه اویغورها برای سیاوش که قهرمانی ایرانی محسوب می‌شود در التیشهر<sup>۱۱</sup> عزاداری می‌کنند (Thom, 2014: 21). بسیاری از آثار هنری مانند کتب تذهیب شده در آغاز قرن بیستم در واحه تورفان واقع در استان سین کیانگ کشف شدند. در شرق تورفان، در دره مورتوک<sup>۱۲</sup> غارهای هزار بودای بزکلیک<sup>۱۳</sup>، (تصویر ۲) که به ترکی (خانه تزئین شده) معنی می‌دهد، چند نقاشی باقی مانده است. در نقاشی‌های دیواری غار شماره ۵۷ آثاری از آداب و مناسک دینی می‌توان مشاهده کرد. در بعضی نقاشی‌ها نمی‌توان به‌طور قطع بودایی بودن و یا مانوی بودن نقاشی را تشخیص داد. می‌توان گفت، در بسیاری از آثار موجود از اویغورها، مهم‌ترین تأثیرگذاری بر هنر بودایی و مشهودترین تأثیرپذیری از هنر ساسانی نمایان است. اولین بار نقاشی‌های مانویان در سال ۱۹۰۵ میلادی در تورفان کشف شد (هامبی، دو ویلار و ویدن‌گرن، ۱۳۷۶: ۱۳). این نقاشی‌ها در رنگ‌پردازی، ترکیب‌بندی و موضوعات شباهت بسیاری با قوانین نقاشی‌های ساسانی دارند (تصاویر ۳ و ۴). در دوران اسلامی نیز مینیاتور ایرانی با الهام از نقاشی ساسانی - مانوی شکل گرفت، البته تفاوت‌هایی در مکاتب مختلف نگارگری رخ داد. شیوه رنگ‌پردازی و پرهیز از پرسپکتیو و بعضاً موضوعات نقاشی ساسانی در مینیاتور رایج بود. از موضوعات مورد علاقه مانویان و مکتب تبریز مبارزه ابدی خیر و شر و خوبی و بدی بود که ویژگی بارز این دو فرهنگ بوده و در بعضی نقاشی‌ها نیز تبلور پیدا کرده است. شاهنامه و بعضی شخصیت‌های آن در هردو فرهنگ مورد علاقه و احترام است. پس نقاشی داستان‌های آن بایستی مورد علاقه هردو باشد تا یکی دیگر از مشترکات دو مکتب شود. نگاره‌های شاهنامه از هنر مانوی منطقه تورفان کشف نشده است. کشف داستان رستم به زبان سغدی که به گفته «بدرالزمان قریب» از نظر محتوا ارتباط با متون بودایی ندارد و از هیچ‌یک از دیدگاه‌های فلسفی بودا متأثر نیست<sup>۱۴</sup>، می‌تواند نمایشگر مهاجرت این داستان‌ها به همراه مانویان به منطقه

تکرار می‌شود (تصاویر ۶ و ۷).

بهترین مثال در نگاره‌های مکتب تبریز کتابی دربارهٔ جانورشناسی به دستور «خلیفه الممتقی» به وسیلهٔ «ابن‌بختیشوع»، پزشک ایرانی نوشته شده است (شریف‌زاده، ۱۳۷۵: ۷۰). در این کتاب به ویژگی‌ها و تشریح حیوانات پرداخته می‌شود و به‌صورت واقع‌گرا حیوانات ترسیم و نقاشی شده‌اند. در نقاشی‌های مانوی منطقهٔ اویغورها نیز واقع‌گرایی در ترسیم حیوانات مشاهده می‌شود. پرتحرک شدن حیوانات نیز در نقاشی مکتب تبریز همانند نقاشی‌های مانوی منطقهٔ اویغور است و شکل حیوانات پرنرنگ‌تر از زمینه هستند (تصویر ۸).

انسان‌ها به شیوه‌ای دور از طبیعت‌گرایی و به‌صورت دوبعدی نقش شده و نحوهٔ قلم‌گیری در هر دو دوره تشابهاتی غیرقابل انکار دارد (تصویر ۹).

از گذشته‌های دور و از دوران دیوارنگاری، غارها از نقش برجسته‌های ساسانی تا چهره‌پردازی مینیاتور شیوهٔ تیپ‌سازی برای انسان‌ها و واقع‌گرایی برای حیوان و گیاه را مرسوم کرده بودند. در واقع چهره و تیپ و زیبایی‌شناسی از نژاد شاه و سلاطین بوده است. تاکنون نیز این سنت در نگارگری ایران برجاست. در یکی از نقاشی‌های مکشوفهٔ منطقهٔ تورفان کاهنی تصویر شده که اطراف سر کاهن، دایره‌ای قرار گرفته که نشانگر تقدس و جایگاه معنوی کاهن است. این شیوه در نمایش جایگاه شخصیت مقدس، در نقاشی دورهٔ مغول هم وجود دارد. به جز این هالهٔ مقدس، ترسیم فرد مقدس (پیامبر یا فرشتگان) با افراد معمولی در هر دو دوره نسبت به افراد عادی متفاوت است (تصویر ۱۰).

در بعضی نقاشی‌های هر دو مکتب، صحنه‌های پرجمعیت دیده می‌شود که از خصوصیات مشترک آنها است. تصویرسازی انسان‌ها، دست‌ها و خطوط و چین و شکن لباس‌ها در هر دو دوره شباهتی غیرقابل انکار با یکدیگر (نقاشی مکتب مغول و مکتب نقاشی اویغور) دارند (تصویر ۱۱).

### نتیجه‌گیری

با مقایسه‌های انجام شده اثبات شد نقاشی‌های مانوی اویغورها با مکتب تبریز از نظر رنگ و طرح شباهت غیرقابل انکاری دارند. می‌توان گفت هنر اویغورهای مانوی زنده نگهدارندهٔ هنر ایران دورهٔ ساسانی است. نقاشی ایرانی در دوران اسلامی نیز از دوران ساسانی الهام یافته و در تداوم آن است؛ در دوران مختلف و به‌خصوص دورهٔ ایلخانیان و در مکتب تبریز شاهد تشابهات بسیاری با مکتب اویغوری مانویان هستیم و اگر مکتب اول تبریز نیز بر دیگر مکاتب پس از خود تأثیر گذاشته باشد، می‌توان گفت آثار نگارگری اسلامی-ایرانی در دوران پس از حکومت مغول وامدار هنر

به‌طور کلی مینیاتور ایرانی از ابتدا به شیوه‌ای یکسان که شامل رنگ‌های تخت و رنگ‌های متضاد و پرهیز از پرسپکتیو غربی بوده که این مشخصات و شیوهٔ نقاشی برگرفته از نقاشی‌های مانوی است.

دو سبک مشخص در نقاشی‌های مانوی تورفان دیده می‌شود: ۱. سبک ایرانی ساسانی که در بعضی نگارگری‌ها قابل مشاهده است.

۲. سبک هماهنگ با چهره‌ها و باورهای اویغورها که به اشتباه گروهی از محققین این سبک را چینی نامیده‌اند. در هر دو سبک نگارگری ویژگی‌های نقاشی ساسانی تداوم یافته است. دهان غنچه، چشمان بادامی، بینی کوچک و ابروی کمانی از شاخصه‌های نقاشی چهره این سبک است. در سبک مغولی و حتی سبک‌های متأخر نیز می‌توان این خصوصیات را در چهره‌نگاره‌ها باز یافت. از نظر بعضی محققین هنر ساسانی، مانوی، و سغدی، جزئی از پیکرهٔ هنر ایرانی است که در کالبد هنر ایران اسلامی، در قالب یک کل، بار دیگر یکپارچه شده و هنری پرتوان را پدیدآورده است (حاتم و محمدی، ۱۳۹۰: ۶۳).

در این مقاله نگاره‌های چند کتاب مصور دوران ایلخانی و تیموری دوران شاه‌رخ با نقاشی‌های تورفان مقایسه شده که نتایج آن ارایه می‌شود.

مانی پیامبر، معجزه خود را نقاشی و تذهیب‌کاری می‌دانست که در این آثار و به‌خصوص در تذهیب، رنگ طلایی شاخص است و نقاشی‌های دورهٔ مغول (و بعد از آن) همچون چند نقاشی به‌جا مانده از مانویان منطقهٔ اویغور این شیوهٔ نقاشی و رنگ‌آمیزی مشهود است. استفاده از طلا در رنگ‌آمیزی علاوه بر تذهیب، در صحنه‌های نقاشی هم رایج بوده است. چنانکه بعدها در مینیاتور ایران، آسمان طلایی و گاه لاجوردی بوده و درخشش ماه، ستارگان و خورشید طلایی در آثار دیده می‌شود. در صحنه‌های شاهنامه و مذهبی نیز طلا کاربرد بسزایی در رنگ‌آمیزی داشته است.

شکل کوه‌ها در دو مکتب، نحوهٔ نمایش خطوط گره‌دار و درهم‌تنیده که در نقاشی‌های مانوی منطقهٔ اویغور دیده می‌شود در نقاشی مکتب تبریز (مکتب مغولی) نیز وجود دارد و مفصل‌بندی اعضای بدن حیوانات در نقاشی‌های مانوی منطقهٔ اویغور و تحرک و جنبش این حیوانات همچون تصویرسازی‌های داخل کتاب‌های دورهٔ مغول است (تصویر ۵).

دقت در رسم گیاهان به شیوهٔ واقع‌گرا نیز در هر دو شیوهٔ نقاشی مانوی و مغولی دیده می‌شود. به‌طوری‌که از طریق نقاشی می‌توان گیاه را در طبیعت یافت. دورگیری گیاهان نیز با خطوط درشت و نازک و نقوش پیچ در پیچ در هر دو مکتب



تصویر ۵. چپ : داستان زال و سیمرغ، شاهنامه دموت، راست : تصویر حیوانات از غارهای تورفان، مأخذ : فیلم فرهنگ ایغور.



تصویر ۶. نقش گیاهان در یک نقاشی مانوی. مأخذ : روی جلد کتاب Mani et la tradition manichéenne.



تصویر ۸. بالا : دو مرغ ماهی خوار، مأخذ : کتاب منافع الحيوان (مکتب تبریز) و پایین : پرنده‌گان مانوی در تورفان، مأخذ : فیلم فرهنگ ایغور.



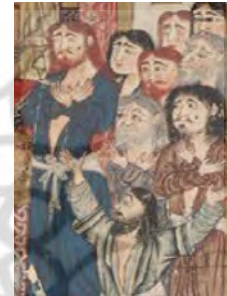
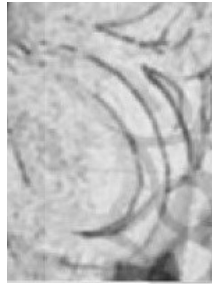
تصویر ۷. داستان یونس و ماهی، برگرفته از کتاب جامع التواریخ دوران تیموری، موزه متروپولیتن آمریکا، مأخذ : <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/453683>



تصویر ۹. مقایسه قلم‌گیری چهره، راست : نقاشی مانوی، مأخذ : شعبانی و محمودی، ۱۳۹۳ و چپ : کتاب منافع الحيوان دوره ایلخانی. مأخذ: [www.metmuseum.org](http://www.metmuseum.org).

مانوی است. با نقاشی‌ها و دیوارنگاره‌های یافت شده در تورفان تأثیر و استمرار نقوش، موضوعات و عناصر به کار رفته در نقاشی چهره‌نگاری و دیوارنگاره‌های مانوی بر نقاشی‌های مکتب مغول در دوره ایلخانی و تیموری که در این مقاله مورد





تصویر ۱۱. مقایسه حالت چهره، دست و چین لباس (سمت راست نقاشی مانوی و سمت چپ از دوره ایلخانی). مأخذ: شعبانی و محمودی، ۱۳۹۳.

تصویر ۱۰. مقایسه چهره افراد مقدس، راست: نقاشی مانوی و چپ: از دوره تیموری و ایلخانی. مأخذ: [www.metmuseum.org](http://www.metmuseum.org)

بدوی ریشه و علت بسیاری از اتفاقات و مسایل روزمره را در قدرت‌های مافوق طبیعی می‌دانستند و با کمک فرد یا افرادی از قبیله (شمن) سعی در هماهنگ‌شدن با این قدرت‌ها و یا تأثیرگذاری داشتند.

۸. مانند ازدواج ضحاک با خواهران جمشید یا تصرف اسپنوی، کنیز تزاو، داماد افراسیاب توسط بیژن.

۹. kan'er jing

۱۰. <https://www.thoughtco.com/xinjiang-qanat-system-of-turpan-0a-10-sis-169399>

۱۱. Altishahr

۱۲. Murtuk

۱۳. Bezeklik

۱۴. <https://cgie.org.ir/fa/news/26301>

مطالعه قرار گرفته، کاملاً مشهود است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. بیش بالیغ. (بخ) (از: بیش یا بش «ترکی» به معنی پنج + بالیغ یا بالق «ترکی -مغولی» به معنی شهر یا قلعه که اغلب در جزء اسامی شهرها می‌آید) نام شهری بود در ختای مغربی و از آن‌رو که آن پنج محله داشته به بیش بالیغ معروف شده و از سمرقند تا بیش یک هفته راه کاروان است (یادداشت مؤلف). پایتخت ایغورستان (تاریخ جهانگشا ج ۱ ص ۲۱ به بعد).

(ترکی: پنج محله) پایتخت و شهر عمده ترکان ایغور در شمال شرقی ترکستان شرقی امروزه آن را «ارومچی» گویند و در جنوب صحرای «دزونگاری» و دامنه‌های شرقی جبال «تیانشان» واقع است (فرهنگ فارسی معین).

۲. این خط اشکال اولیه خط سریانی است. این خط اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین خط سریانی است که (برگرفته از وب سایت دانشنامه جهان اسلام: <http://rch.ac.ir/ar-ticle/Details/8624>)

۳. Muller

۴. Salemann

۵. «کتاب اول اخنوخ» (منسوب به «اخنوخ/هنوخ» جد نوح پیامبر) در سده دوم پیش از میلاد نوشته شده و روایت کامل از آن تنها به زبان حبشی باقی مانده است. ترجمه‌های سریانی از کتاب اخنوخ نیز بوده که اکنون وجود ندارد. «کتاب اول اخنوخ» یا کتاب «کوان» مانی بعدها به شش یا هفت‌زبان ترجمه شده و قطعات یا اقتباس‌هایی از روایات یونانی، لاتینی، پهلوانیک (پهلوی اشکانی؛ پارتی)، پارسیگ (پهلوی ساسانی؛ پارسی میانه)، سُعدی و قبطی آن‌ها به دست آمده‌است.

۶. Henning

۷. شمنسیم یا شمن باوری نام برخی از باورها در اقوام بدوی است که این اقوام

## فهرست منابع

- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۷۹)، مانی به روایت ابن‌الندیم، تهران: طهوری.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). اسطوره و هنر در آیین مانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۴۱). تاریخ مغول، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
- بدیعی، نادره. (۱۳۹۳). موسیقی ایرانی در چین، تهران: پارت.
- بهبهانی، امید. (۱۳۸۱). کشف متون ایرانی در تورفان چین و سهم آن

• حاتم، غلامعلی و محمدی، محمد. (۱۳۹۰). نقاشی سغدی سرچشمه‌ای برای نگارگری ایرانی، فصلنامه مطالعات اسلامی، (۱۴): ۸۰-۶۱.

• فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). شاهنامه فردوسی، تصحیح: کوروش حمیدیان، تهران: نشر قطره.

• عطار نیشابوری. (۱۳۹۰). دیوان عطار نیشابوری، تهران: ارغوان.

• کلیم، کایت و هانس، یواخیم. (۱۳۷۳). هنر مانوی، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: فکر روز.

• محبوب، محمدجعفر. (۱۳۷۸). آفرین فردوسی، تهران: مروارید.

• موسوی‌لر، اشرف‌السادات و نماز علیزاده، سهیلا. (۱۳۹۱). چهره‌نگاری سلجوقی؛ تداوم فرهنگ بصری مانوی، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، ۴ (۱۳): ۸۵-۱۰۵.

• Henning, W. B. (1943). *The Book of Giants*, London: SOAS Press.

• Muller, F.W.K. (1934 a). *Henochbuch*, Berlin: APAW.

• Muller, F.W.K. (1934 b). *Eine Hennas Stelle*, Berlin: A.P.A.W.

• Muller, F.W.K. (1904). *Handschriften-Reste in Estrangelo-Schrift aus Turfan*, Chinesisch-Turkistan I, Berlin: APAW.

• Muller, F.W.K. (1912). *Zwei Pfahlschriften aus den Turfanden*, Berlin: APAW.

• Salemann, C.S. (1908). *Manichäische Studien I, Mémoires de l'Académie impériale des sciences de St.-Petersbourg*, 8. Sér., cl. Historico-Philologique, vol. 8, nr. 10, St. Petersburg, 1908.

• Sundermann, W. (ed). (1996). *Iranian Manichaean Turfan Texts in early publications (1904-1934)*, London: SOAS Press.

• Sundermann, W. (1973). *Mittelpersische und parthische kosmogonische und Parabeltexte der Manichäer*, Berliner Turfantexte 4, Berlin: APAW.

• Thom, R. (2014). *the Sacred Routed of Uyghur History* Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.

• Zarinkub, A. (1975). *The Arab Conquest of Iran and Its Aftermath* Cambridge, Massachusetts: the Cambridge History of Iran.

در ترسیم سیر گسترش مانویت در جهان باستان، مطالعات ایرانی، (۲): ۸۱-۷۱.

• پاکباز، رویین. (۱۳۸۳). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: انتشارات زرین و سیمین.

• تقی‌زاده، سیدحسن. (۱۳۷۹). مانی و دین او، تهران: فردوس.

• جوینی، عطاالملک. (۱۳۳۹). تاریخ جهانگشا، تصحیح محمد قزوینی، لیدن: ای جی بریل.

• خلیج امیرحسینی، مرتضی. (۱۳۸۹). رموز نهفته در هنر نگارگری، تهران: نشر آبان.

• دادور، ابوالقاسم و محمدی، ثریا. (۱۳۸۵). نقاشی مانوی و تأثیر آن بر نگارگری اولیه اسلامی، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، ۳ (۵): ۱۴۱-۱۵۴.

• درز، ژان پیر. (۱۳۷۹). جاده ابریشم، ترجمه: هرمز عبداللهی، تهران: روزنه.

• دکره، فرانسوا. (۱۳۸۰). مانی و سنت مانوی، ترجمه: عباس باقری، تهران: فرزانه روز.

• هامبی، لویی، دو ویلار، مونزه و ویدن گرن، گئو. (۱۳۷۶). هنر مانوی و زردشتی، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: مولی.

• شریف‌زاده، عبدالمجید. (۱۳۷۵). تاریخ نگارگری در ایران، تهران: حوزه هنری.

• شعبانی، عطیه و محمودی، فتنه. (۱۳۹۳). تطبیق نقاشی‌های تورفان و نگاره‌های ورقه و گلشاه دوره سلجوقی، مطالعات تطبیقی هنر، (۱۰): ۸۳-۹۶.

• شکری فومشی، محمد. (۱۳۹۵). سرودهای انجیلی در باب انگاره مانوی سه روز بزرگ با رویکردی به خاستگاه و ماهیت سروده‌های مانوی براساس دست‌نویس‌های تورفان در مجموعه برلین، پژوهش‌های ادیبانی، (۴): ۱۱۸-۹۹.

• طبری، محمد بن جریر. (۱۹۶۳). تاریخ طبری، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: مطبعه الحسينیه القاهره.

• جعفری‌دهقی، محمود و مشایخ، سمیه. (۱۳۹۰). خلقت آدم در اسطوره آفرینش مانوی، مجلات علمی دانشگاه تهران، ۱ (۷): ۱۲۱-۱۳۲.

**COPYRIGHTS**

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

جوادی، شهره و خونساری، شهریار. (۱۳۹۷). نقاشی اویغور، حافظ میراث هنر نقاشی مانویان. مجله هنر و تمدن شرق، ۶ (۲۲): ۶۴-۵۵

DOI:10.22034/jaco.2019.81924

URL:[http://www.jaco-sj.com/article\\_81924.html](http://www.jaco-sj.com/article_81924.html)

